



واکاوی حقوقی قراردادهای بین المللی نفتی

تالیف

دکتر فاطمه اندی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۸

سرشناسه	: اندی، فاطمه، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: واکاوی حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفتی/تالیف فاطمه اندی
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون‌یار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۰ ص.: جدول
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۹۷-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۸۷ - ۱۸۹.
موضوع	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- قراردادها
موضوع	: Petroleum industry and trade -- Iran -- Contracts
موضوع	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- تاریخ
موضوع	: Petroleum industry and trade -- Iran -- History
رده بندی کنگره	: ۹۷۵۶HD
رده بندی دیویی	: ۲۷۲۸۲۰۹۵۵/۳۳۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۷۹۸۳۶

انتشارات قانون‌یار

واکاوی حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفتی

تألیف: دکتر فاطمه اندی

ناشر: انتشارات قانون‌یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

ویراستار: محمد قطبیان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۵۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۹۷-۹

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ مرکز پخش قانون‌یار

تقدیم ہے:

روح پاکِ پدرم کہ عالمی زبانِ آموخت تا چگونہ در عرصہ زندگی، ایستادی را تجربہ بنایم؛
و بہ مادر عزیزتر از جانم؛ کہ زندگیم بدیون مہر و عطوفت اوست.....

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۳	فصل اول
۱۳	کلیات
۱۶	بخش اول: بررسی و شناخت ارزش مالی و اقتصادی نفت
۱۶	بند اول: نگاهی اقتصادی به نفت
۱۷	بخش دوم: مالکیت نفت از دیدگاه حقوق اسلام
۱۸	بند اول: مالکیت نفت از دیدگاه حقوق ایران
۲۰	بند دوم: مالکیت نفت از دیدگاه حقوقی کشورهای غرب
۲۳	فصل دوم
۲۳	نگاهی ماهیتی به قراردادهای بین‌المللی نفتی و گاز
۲۳	بخش اول: شناخت تعاریف و مفاهیم مربوطه
۲۳	بند اول: انواع قراردادهای دولتی
۲۴	بند دوم: ارکان قرارداد بین‌المللی
۲۵	بخش دوم: سیستم‌های حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفتی و گاز
۲۵	بند اول: سیستم‌های امتیازی
۲۶	بند دوم: قراردادهای امتیازی نوین
۲۷	بند سوم: ماهیت حقوقی «امتیاز»
۲۸	بند چهارم: متن امتیاز نامه
۲۹	بند پنجم: انواع امتیاز
۲۹	بخش سوم: اولین امتیازهای نفتی در ایران
۲۹	بند اول: امتیازهای نفتی قبل از مشروطیت
۳۳	فصل سوم
۳۳	بررسی ویژگی‌های خاص سیستم‌های قراردادهای نفتی
۳۶	بخش اول: خصوصیات قرارداد «مشارکت در سرمایه‌گذاری»
۳۶	بند اول: بررسی قراردادهای خدماتی
۳۹	بخش دوم: تلیلی و بررسی قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران



بخش سوم: وجوه اشتراک و تمایز قراردادهای بین‌المللی نفتی ۴۸

فصل چهارم ۵۱

ویژگی‌های قراردادهای اولیه نفتی ایران تا قبل از ملی شدن صنعت نفت ایران ۵۱

بخش اول: ویژگی‌های قرارداد ۱۹۰۱ داری ۵۱

بخش دوم: ویژگی‌های قرارداد ۱۹۳۳ شرکت نفت ایران و انگلیس ۵۶

بند اول: مزایا ۵۷

بند دوم: معایب ۵۸

بخش سوم: ویژگی‌های قرارداد نفتی ایران و شوروی ۶۰

بخش چهارم: ویژگی‌های قرارداد الحاقی گس- گلشائیان ۶۱

فصل پنجم ۶۵

ویژگی‌های قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران پس از ملی شدن صنعت نفت ایران ۶۵

بخش اول: ویژگی‌های اصل ملی شدن صنعت نفت ایران ۶۸

بخش دوم: بررسی ویژگی‌های قرارداد کنسرسیوم ۱۹۵۴ ۶۸

بخش سوم: ویژگی‌های سایر قراردادهای مرتبط ۷۲

بند اول: ویژگی‌های قراردادهای پنج‌گانه خلیج فارس ۷۲

بخش چهارم: ویژگی‌های قرارداد فروش و خرید نفت (کنسرسیوم دوم ۱۹۷۳) ۸۱

فصل ششم ۸۵

ویژگی‌های قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران پس از انقلاب اسلامی ایران ۸۵

بخش اول: قبل از اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی ۸۵

بخش دوم: پس از اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی ۸۷

فصل هفتم ۹۵

بررسی تحلیلی مکانیسم‌های عملیات اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری در قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران ۹۵

بخش اول: مکانیسم‌های عملیات اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری در قراردادهای نفت و گاز ایران ۹۵

بخش دوم: بررسی ویژگی‌های حقوقی در قراردادهای نفتی ۹۸

بند اول: عملکرد در قالب قراردادهای مشارکت در تولید نفت ایران ۱۰۰

بخش سوم: عملکرد در قالب قراردادهای انجام خدمت یا پیمانکاری نفت ایران ۱۰۵



بخش چهارم: عملکرد در قالب سایر قراردادهای اکتشاف و توسعه و بهره‌برداری نفت ایران ۱۰۷

بخش پنجم: توسعه میادین به روش بیع متقابل در ایران ۱۱۰

فصل هشتم ۱۱۳

قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی نفتی و شرط ثبات ۱۱۳

بخش اول: تعیین قانون حاکم، تحولات آن در قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران و قیاس با قراردادهای

نفتی کشورهای نفت خیز جهان ۱۱۴

بخش دوم: قیاس باقراردادهای نفتی کشورهای نفت خیز جهان ۱۱۸

بخش سوم: شرط ثبات و نقش آن در آراء بین‌المللی قضایی ۱۲۴

بخش چهارم: آراء بین‌المللی قضایی ۱۲۷

فصل نهم ۱۳۵

روش رسیدگی به اختلافات ناشی از سلب مالکیت و ملی کردن ۱۳۵

بخش اول: مفهوم و اقسام سلب مالکیت ۱۳۵

بند اول: سلب مالکیت در حالت اضطرار به شرط پرداخت غرامت (ضبط اموال) ۱۳۶

بند دوم: سلب مالکیت بدون جبران خسارت (مصادره اموال Confiscation) ۱۳۸

بخش دوم: اقسام مصادره در حقوق بین‌الملل ۱۳۸

بخش سوم: سلب مالکیت غیرمستقیم (Creeping Expropriation) و ملی کردن نفت ۱۳۹

بند اول: سلب مالکیت غیر مستقیم ۱۳۹

بند سوم: پرداخت غرامت به صاحب امتیاز: ۱۴۳

بند چهارم: آثار حقوقی عمل ملی کردن ۱۴۵

فصل دهم ۱۴۷

مراجع حل و فصل اختلافات ناشی از قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز ۱۴۷

بخش اول: روش رجوع به دادگاه ۱۴۸

بخش دوم: روش سازش ۱۴۹

بخش سوم: روش رجوع به داوری ۱۵۰

بند اول: حل و فصل اختلافات بین‌المللی نفتی به روش سازش در دعوی سافایر ۱۵۱

بند دوم: بررسی تجزیه و تحلیل قانون حاکم به روش رجوع به داوری بین‌المللی و سازش نفتی طی

دو دعوای خمکو و کنسرسیوم نفتی ۱۹۷۳ ایران ۱۵۱



- بخش چهارم: تجزیه و تحلیل رای خمکو درباره قانون حاکم ۱۵۲
 بخش پنجم: نمونه حل و فصل اختلافات بین‌المللی نفتی ایران به روش رجوع به دادگاه بین‌المللی
 لاهه و سازش ۱۵۵

فصل یازدهم ۱۵۸

- بررسی تطبیقی «درآمد و فروش نفت» در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز ۱۵۸
 بخش اول: شرایط مالی در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز ۱۵۸
 بند اول: روش تعیین قیمت نفت ۱۵۸
 بند دوم: تقسیم منافع نفت در قراردادهای بین‌المللی نفتی ۱۵۹
 بخش دوم: روش تعیین قیمت نفت ۱۶۱
 بخش سوم: چگونگی پرداخت حق‌الامتیاز در قراردادهای نفتی ۱۶۶
 بخش چهارم: پرداخت حق‌الامتیاز در سایر کشورها ۱۶۹

فصل دوازدهم ۱۷۴

- بررسی تطبیقی نرخ بازگشت سرمایه (RATE OF RETURN) در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز ۱۷۴
 بخش اول: نرخ بازگشت سرمایه Rate Of Return در قراردادهای نفتی «مشارکت در تولید» ۱۷۵
 بند اول: نرخ بازگشت سرمایه در انواع قراردادهای مشارکت در تولید کشورهای جهان ۱۷۶
 بخش دوم: نرخ بازگشت سرمایه در قراردادهای بین‌المللی نفتی پیمانکاری خرید خدمات «بیع متقابل» ایران ۱۷۷
 بخش سوم: قراردادهای بین‌المللی نفتی جمهوری آذربایجان ۱۷۸
 بند اول: نظام سرمایه‌گذاری در قراردادهای نفتی جمهوری آذربایجان ۱۸۰

منابع و مآخذ ۱۸۸

- منابع فارسی ۱۸۸
 منابع انگلیسی ۱۹۰

پیشگفتار

اهمیت حیاتی که نفت در عصر صنعتی امروز دنیا پیدا کرده برهیچکس پوشیده نیست و تعداد محصولاتی که امروزه از نفت و گاز، بخصوص در صنعت پتروشیمی تهیه و مشتق می‌گردد ارزش این ماده حیاتی را بمثابه خون در جسم آدمی نشان می‌دهد کافست برای یک روز تولید نفت قطع گردد تا معلوم شود حیات بشر در آستانه هزاره سوم میلادی چگونه به محصولات آن وابسته است. در زمینه انرژی از دیرباز انسان چوب و کودهای حیوانی را به عنوان منبع مطمئن حرارتی انتخاب کرد و تا هزاران سال یعنی تا عصر صنعت به آن وفادار ماند و در جوار آن از انرژی‌های طبیعی دیگر مانند آب و خورشید و نیروی عضلانی خود و دیگر جانوران بهره می‌برد. بطوریکه یک کیلوگرم چوب خشک معمولی حرارتی معادل ۱۲۰۰۰ کیلوژول یا به بیان دیگر ۳۰۰۰ کیلو کالری حرارت ایجاد می‌کند اما امروزه چوب دیگر منبع انرژی رسمی بشمار نمی‌آید و براساس تحقیقات و مطالعات دفتر آمار بین‌المللی انرژی سوخت چوب که در سال ۱۹۵۶ ده درصد کل انرژی حرارتی دنیا را تشکیل می‌داد براساس آمار رسمی سال ۱۹۷۳ به ۳ درصد تنزل پیدا کرده است. با شروع قرن هفدهم میلادی در اروپا استفاده از زغال‌سنگ متداول شد و انقلابات بزرگ صنعتی در طول قرون هیجدهم و نوزدهم هم مدیون آن منبع بوده است به این دلیل قرن نوزدهم را «عصر زغال‌سنگ» نامیده‌اند، این پدیده جدید در عصر صنعت جانشین چوب شد زیرا تراکم بیشتر انرژی در زغال‌سنگ بازتاب بیشتر حرارتی آنرا باعث گردید، بطوریکه یک کیلو زغال‌سنگ حرارتی، معادل ۶۰۰۰ کیلو کالری حرارت را ایجاد می‌نموده است. اما وقتی نفت بعنوان منبع انرژی مورد استفاده قرار گرفت در مقام مقایسه با زغال‌سنگ و چوب استفاده این دو را بشدت کاهش داد زیرا یک لیتر نفت، حرارتی معادل ده هزار کیلو کالری تولید می‌کند مضافاً به اینکه سوخت نفت ضایعاتی ایجاد نکرده و آلودگی‌هایش بسیار کمتر از چوب و زغال‌سنگ می‌باشد. در نگاهی کلی مشاهده می‌گردد کلیه قرار دادهای بین‌المللی نفتی ایران در دو دسته اصلی تقسیم بندی و جای می‌گیرند. دسته اول موسوم به قرار دادهای مشارکت در تولید Shairing Production می‌باشند که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران منعقد می‌گردیده است و دسته دیگر از قرار دادهای که پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران با تشکیل وزارت نفت و به منظور حفظ،



توسعه و بهره‌برداری ذخایر نفت و گاز انعقاد یافته که اینگونه از قرار دادهای نفت و گاز عمدتاً در قالب قرار دادهای خرید خدمات پیمانکاری بوده است، برای نمونه می‌توان به قراردادهای توسعه میدان نفتی پارس جنوبی اشاره نمود فازهای متعدد آن در قالب عقد قرار دادهای بین‌المللی بیع متقابل تحت اجرا می‌باشد که مورد پژوهش و تحلیل قرار می‌گیرد. لازم به یاد آوری است برخلاف قرار دادهای مشارکت در تولید که هم‌اکنون بر اساس قوانین مصوب داخلی انعقاد آن ممنوع می‌باشد لیکن قرار دادهای خرید خدمات خارجیان موسوم به پیمانکاری که اولین بار در اوت ۱۹۶۶ (مرداد ماه ۱۳۴۵) تحت عنوان اراپ ERAP بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت دولتی تحقیقات و فعالیتهای نفتی فرانسه منعقد گردید، هم‌اکنون نیز مشابه آن به عنوان خرید خدمات پیمانکاری منعقد می‌گردد، طی فصل‌های متعدد علل اصلی عقد در قالب اینگونه قرار دادهای و انواع آن ذکر می‌گردد، مزایا، معایب و ویژگیهای این نوع جدید قراردادی که بیع متقابل نام گرفته است و از گونه قراردادهای خرید خدمات می‌باشد با قرار دادهایی از این دسته که تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی تحت عناوین دیگر منعقد می‌گردید مورد ارزیابی قرار گرفته است.

فصل اول

کلیات

کلمه نفت در زبانهای متداول امروز دارای بار معنایی ویژه خود می‌باشد در زبانهای فرانسه و انگلیسی نفت را پترول Petrol و پترولیوم Petroleum می‌خوانند که از پیوستگی دو کلمه با ریشه Petros بمعنی سنگ و Oleum بمعنی روغن، واژه ترکیبی (روغن سنگ) بدست می‌آید. نفت منشاء آلی فسیلی دارد و از دو ماده کربن و هیدروژن تشکیل می‌گردد، دلیل اطلاق «مواد هیدروکربوری» به مواد نفتی نیز همین ترکیب کربن و هیدروژن است. مایع نفت به عقیده بعضی از دانشمندان در اثر قرار گرفتن بقایای حیوانات و نباتات ذره‌بینی بنام پلانکتون در لایه‌های رسوبی زمین و انجام فعل و انفعالات شیمیایی تحت فشار زیاد و حرارت بوجود می‌آید این لایه‌ها که نفت در آنها جمع می‌شود، در طبقات سنگهای آهکی متخلخل و سنگهای ماسه‌ای قرار دارند، که در اصطلاح آنها را لایه نفت‌زا یا «مادر سنگ» می‌نامند. بنابر نظر زبانشناسان کلمه نفت ریشه در زبان اوستایی دارد چراکه در این زبان کلمه Nepta بمعنی روغن معدنی است، از آنجا که دستور زبان عربی فاقد چهار حروف الفبایی «پ» «چ» «گ» «ژ» می‌باشد کلمه نپتا بعداً که به ادبیات عرب منتقل گردید، توسط عرب زبانان بصورت «نفت» مورد استعمال قرار گرفته است.^۱ هرودت تاریخ‌نویس مشهور یونانی سابقه آشنایی و زمان استفاده انسان از نفت را بیش از چهار هزار سال پیش از میلاد

^۱ ذوقی، ایرج، مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران، چاپ پنجم، انتشارات پازنگ، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۱



مسیح یعنی شش هزار سال قبل ذکر کرده است، تقریباً همه مورخین قدیمی از جمله پلوتارک، استرابو، پلینی و دیگران از نفت نام برده و هر یک شرحی از کاربرد آنرا ذکر نموده‌اند، ایرانیان و رومیان باستان برای پرتاب گلوله‌های آتشین در جنگها با استعمال نفت آشنایی داشته تا آنجا که قیر اندود کردن نوک پیکانها و سپس روشن کردن آن و شلیک به سوی چادرهای استقرار دشمن روش متداول بوده است.^۱ با توجه به امپراطوری قدیم این سرزمین که تقریباً تمام مناطق نفت خیز قفقاز و بین‌النهرین در خاورمیانه امروزی را در بر می‌گرفته تعجبی ندارد که قبل از پذیرش اسلام، زرتشتیان ایران بعضاً با گاز طبیعی که از زمین بیرون می‌آمده سوخت آتشکده‌های خود را تامین می‌نموده‌اند، مصریان از هزاران سال قبل برای مومیایی کردن اجساد مرده‌گان خود و عایق کاری کشتیها با مواد نفتی و قیر آشنایی داشته‌اند و از نظر طبی نیز رومیان و یونانی‌ها در ساختن مرهم برای معالجه زخم‌ها و امراض جلدی و عفونی چون وبا، سل و روماتیسم از آن بهره‌گیری می‌نموده‌اند، برای نمونه می‌توان به طبیعی دان رومی پلین لانسین Plinelandian و پزشک یونانی دیوسکراید Dioscride و امپراطور روم کالین Callien اشاره نمود.^۲ شاردن جهانگرد فرانسوی در سفرنامه خود می‌نویسد که در مازندران شاهد استفاده ایرانیان از نفت سیاه و سفید برای معالجه سرماخوردگی، زخم سر (کچلی) و مارگزیدگی و بویژه درمان شکستگی‌های استخوان بوده است و همه اینها به برکت وجود چشمه‌های فراوان خدادادی طلای سیاه می‌باشد که به وفور در طبیعت این سرزمینها بودیعه نهاده است. لیکن در کنار این چشمه طبیعی ارزشمند ما مسئولیت بهره‌برداری بهینه از این ماده حیاتی غیرقابل برگشت، توسعه منابع تولید و تبدیل آن به محصولات مفیدتر با بکارگیری دانش امروز و رسیدن به فن‌آوریهای پیشرفته تا تحویل آن به نسلهای آینده در جهت رشد و شکوفایی استعداد فرزندان فردا را به عهده داریم. مصرف نفت در عصر زغال‌سنگ و پیش از آن محدود به مصارف جزئی و ناحیه‌ای می‌شد و استخراج نفت به روش فعلی یعنی به طریق حفرچاه در نیمه دوم عصر زغال‌سنگ آغاز گردید. پس از آنکه در نیمه دوم قرن نوزدهم اولین عملیات حفاری برای پیدا کردن و استخراج نفت آغاز شد در محلی بنام تیتوسویل Titusville در ایالت پنسیلوانیای ایالات متحده آمریکا در روز ۲۷ اوت ۱۸۵۹ به نتیجه

^۱ همان منبع، ص ۱۲

^۲ - همان منبع ص ۱۳



مطلوب رسید و با تماس اولین نوک مته حفاری کلنل درک Dreck که در عمق ۶۹ فوت (۲۳ متری) به مخزن برخورد کرد. به طریقه حفاری اولین فوران نفت از دل زمین آغاز شد. به این ترتیب از همان زمان صنعت جدیدی بنام صنعت نفت پا به عرصه وجود گذاشت، تب نفت بالا گرفت و هجوم عمومی برای کشف نفت شروع شد. با نیم نگاهی به قراردادهای نفتی منعقد شده ایران با شرکتها و دول خارجی از اولین قرارداد ۱۹۰۱ میلادی تا سال ۱۹۷۸ یعنی وقوع انقلاب اسلامی بخوبی در می‌یابیم در سراسر این دوره ۷۷ ساله بهره‌برداری از منابع نفت ایران توسط دول صنعتی غرب مناطق وسیع نفت‌خیز کشور در اختیار این قدرتها قرار داشت مدت این قراردادها چنان طولانی بود که با عمر منابع نفتی مورد قرار دارد تناسب داشت و اینکه چه مقدار نفت و به چه صورت (خام یا فرآورده) و در چه زمانی تولید و صادر شود اصولاً به دولت این سرزمین ارتباطی نداشت و صنعت نفت که براساس سیاست استعماری انگلیس بنیان نهاده شده بود چنان با زیرساختهای اقتصادی کشور بیگانه بود که تا ۳۰ سال پس از اولین بهره‌برداری‌ها هنوز نفت چراغ (یا همان نفت سفید برای ایجاد گرما و روشنایی اماکن عمومی) از باکو وارد می‌شد و رفع نیازهای داخلی مردم وابسته به خرید این نفت وارداتی از باکو بود و حال آنکه در قیاس، نفت ایرانی که در جنوب به فروش می‌رسید بسیار ارزانتر بود.^۱ صنعت نفت ایران حتی پس از ملی شدن نیز در انطباق با نیاز صنعتی غرب شکل داده می‌شد و بگونه‌ای رشد ناموزون داشت، به طوری که به جای تبدیل نفت خام به فرآورده‌ها و محصولات پتروشیمی برای ورود به بازار روز کالاهای جهانی فقط فروش خام روزانه ۶ میلیون بشکه نفت از منابع زیرزمینی ایران را در سرلوحه برنامه‌های ابدی این صنعت گرانقدر قرار داده بودند، در زمانی که کشورهای فاقد این منابع همچون کره جنوبی بدون اتکاء به درآمد نفت زیربناهای صنایع تولیدی خود را برای ورود به عرصه رقابت کالای جهانی آماده می‌ساختند فروش نفت ایران بصورت «خام» از یک طرف منبع تغذیه مواد اولیه کارخانجات صنعتی کشورهای توسعه یافته را فراهم و از سوی دیگر نیاز سیری‌ناپذیر حکومت وابسته به درآمد نفتی (حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال) را تامین می‌نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قرارداد کنسرسیوم ملغی و در سال ۱۳۵۷ کلیه امور صنعت نفت را شرکت ملی نفت ایران به عهده گرفت.

^۱ - همان منبع، ص ۴۵۷.



بخش اول) بررسی و شناخت ارزش مالی و اقتصادی نفت

بند اول: نگاهی اقتصادی به نفت

در طول قرن بیستم، نفت چه از نظر تحولات در عقد قراردادهای حقوقی و چه از نظر وقوع تحولات سیاسی و اقتصادی نقش مهم و تعیین کننده‌ای در سرنوشت کشورهای نفت‌خیز ایفاء نموده است زیرا از نظر کشورهای تولید کننده بارزترین ویژگی نفت، صدور و درآمد حاصل از آن است که این درآمد ناشی از عوامل تولیدی نیست بلکه این درآمد در حقیقت نوعی اخذ بهره مالکانه است که دولت این کشورها آنرا از بازار جهانی دریافت می‌کنند و چون این مبالغ به صورت ارز پرداخت می‌شود و دولت نیز بعنوان گرداننده این اقتصاد تک محصولی می‌باشد بنابراین مصرف، پس انداز، سرمایه‌گذاری و واردات بطور روزافزونی به آن «تک محصول» وابسته می‌گردد. بطور کلی اقتصاد چند محصولی متعلق به جوامعی است که دولت در آن نقش حداقلی ایفا می‌کند و خود در تولید و صدور عاملیت ندارد ولیکن در اقتصادهای تک محصولی (بعنوان تنها منبع صدور و کسب درآمد ارزی) دولتها ثروت لازم را برای اعمال برنامه‌های عمرانی و توسعه و تخصیص منابع و ارزشها برحسب اولویتهای خود بدست می‌آورند. برخلاف روش‌های متداول در کشورهای توسعه یافته که در آنجا گسترش صنایع به سرمایه‌گذاری نیاز دارد و سرمایه‌گذاری به پس انداز و پس انداز نیز به نوبه خود به درآمدی که حاصل سود صاحبان سرمایه می‌باشد وابسته است و دولتها نقش بسیار محدودی را در شکل تولید ایفاء می‌کنند و فقط به عنوان مالیات گیرنده با سعی در ایجاد توازن بین لایه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در جهت حفظ منافع ملی عمل می‌کنند ولیکن در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای صاحب نفت مشاهده می‌گردد که این تنها محصول تولید و فروش نقشی دو گانه را در توسعه و بخصوص اقتصاد آنان ایفا می‌کند زیرا از یک سو کشور را از نیاز به قرضه‌های خارجی که معمولاً بصورت وام‌های کمرشکن از عوامل خارجی با سودهای سنگین اخذ می‌کنند بی‌نیاز ساخته ولی از سوی دیگر به این پشتگرمی مانع بکارگیری حداکثر توان ملی می‌گردد.^۱ هرچند که اقتصاد فرآورده‌های نفتی مربوط به نیاز داخلی جوامع و کشورهاست اما اهمیت نفت بعنوان ماده‌ای که موارد استفاده

^۱ کاتوزیان، محمدعلی، «اقتصاد سیاسی ایران»، چاپ پنجم، انتشارات مرکز، تهران ۱۳۷۴.



همگانی و عمومی داشته و از یک سوی منبع انرژی می‌باشد که انسان در قیاس با سایر انرژی‌ها خیلی سریع‌تر و در زمان کوتاه‌تر به استفاده از آن عادت کرده است و از سوی دیگر نفت بعلت کاربرد وسیعی که در صنایع مختلف دارد، دارای اهمیت روزافزون برای تامین انرژی‌های حرارتی و مکانیکی قابل تبدیل به فرآورده‌های مختلف شیمیایی و قابل استفاده در صنایع مختلف می‌باشد. بدیهی است که هدف همه جوامع بشری و بویژه هدف تمامی دولت‌ها در جهان امروز دست یافتن به میزانی از رشد اقتصادی است که بتواند رفاه جامعه را تامین کند، رسیدن به رفاه مستلزم رشد اقتصادی و رشد اقتصادی مستلزم برخورداری از انرژی می‌باشد و لذا مالک نفت بودن بمعنای تامین و کسب سرمایه نیز می‌باشد پس اهمیت نفت هم بعنوان یک منبع تامین سرمایه و هم بعنوان یک منبع تأمین انرژی مقام پیدا کرده است. از لحاظ تامین سرمایه باید به این واقعیت اشاره شود که تجارت نفت خام از دیدگاه ارزش پولی ده درصد از مجموع تجارت جهانی را بخود اختصاص داده است که این میزان در قیاس با سایر کالاهای مهم تجاری همچون گندم که فقط ۳ تا ۴ درصد سهم از کل تجارت جهانی را دارا می‌باشد اهمیت آنرا در زمینه رشد اقتصادی و تامین سرمایه برای کشورهای دارای منابع نفت هرچه بیشتر نمایان می‌سازد.^۱

بخش دوم: مالکیت نفت از دیدگاه حقوق اسلام

«بطور کل در منابع فقهی اسلامی چه اهل سنت و یا تشیع فقها معادن را به دو دسته معادن ظاهر (سطح الارض) و معادن باطن (تحت الارض) دسته‌بندی نموده‌اند. در مورد معادن ظاهر معتقدند این معادن مؤلفه آباد کردن به آن اطلاق نشده و صرفاً تحت عنوان حیازت، تقدم و سبقت دارند یعنی هر کس هر مقدار که برداشت کند همانقدر را مالک می‌گردد.»^۲ و شاید به همین دلیل باشد چونکه در گذشته نفت بصورت چشمه‌های خودجوش به روی زمین جاری می‌گردید لذا فقهای اسلام آنرا جزو معادن ظاهر دسته‌بندی می‌کردند با اینحال عده‌ای معتقدند چون جزو اموال عامه است پس حکومت اسلامی حق واگذاری آنرا با رعایت حقوق سایر منتفعین به اغیار دارد و عده‌ای معتقدند اصلاً حق واگذاری اموال عمومی به غیر وجود ندارد. «در مورد معادن باطن نیز

^۱ - همان منبع

^۲ - گرامی، محمد علی، «مالکیت‌ها»، نشر روح، قم، ۱۳۵۸، ص ۸۰



همانند بالا همین دو دیدگاه در بین فقها وجود دارد و آن دسته‌ای که واگذاری آنرا به غیر جایز می‌دانند به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌اول) آن عده که واگذاری معادن را «اقطاع التملیک» می‌دانند به این معنا که واگذاری سبب مالکیت صاحب امتیاز هم می‌شود. و دسته‌دوم) آن عده که واگذاری معدن را اقطاع الاستغلال» می‌دانند یعنی موضوع این واگذاری فقط امتیاز بهره‌برداری آن معدن می‌باشد و نه مالکیت آن^۱. بطور کلی بین فرق اسلامی راجع به مالکیت معادن اشتراک نظر وجود ندارد و سه نظریه را کلا می‌توان از ایشان استنباط کرد:

۱- عده‌ای معادن را متعلق به اولین کاشف دانسته

۲- عده‌ای دیگر آنرا تابع قاعده احیاء اراضی می‌دانند

۳- بعضی آنرا متعلق به عموم و اجازه استخراج آنرا منوط به اجازه امام یا حاکم می‌دانند.

۴- بعضی دیگر مالکیت زمین را موثر در معدن دانسته و معادن موجود در زمین را نیز متعلق به مالک زمین می‌دانند.^۲

«به همین خاطر در قضیه دولت عربستان سعودی و شرکت نفتی آرامکو داور چنین نظر داد «رژیم امتیازات معدنی و از جمله معادن نفت در فقه اسلام نضح نیافته و مکاتب فقهی نظریات واحدی در این خصوص ندارند»^۳

بند اول: مالکیت نفت از دیدگاه حقوق ایران

«در ایران اولین بار پرداخت وجوهی به خزانه دولت قاجار سرفصل روشنی جهت بررسی و پژوهش آغاز می‌کند زیرا در ایران نیز همچون سایر کشورهای اسلامی آن زمان «اراضی مباحه» و منابع زیرزمینی آنرا از طریق اقطاع واگذار می‌کردند و از این روش دریافت عوایدی نصیب دیوان دولت می‌کردند از جمله فرمان صادره عهد ناصری (رمضان ۱۲۹۸ ه.ق) که عنوان می‌داشت «کل معادن ایران بلا استثناء اعم از مکشوفه یا غیر مکشوفه در هر جای ممالک محروسه در اختیار وزارت معادن قرار گرفته است و هر گونه تصرفی در معادن موقوف به اجازه خاص از وزارتخانه معادن گردیده است و همین فرمان سرآغاز اعطای امتیازات می‌باشد که یکی از علل وقوع انقلاب

^۱ - همان منبع ص ۲۱۵

^۲ - منصور نراقی، محمود، «مبانی حقوقی و شرایط عمومی قراردادهای نفتی خاورمیانه»، جلد اول، سال ۱۳۵۰ ص ۹۱

^۳ - همان منبع ص ۸۶



مشروطیت و لزوم ذکر ماده ۲۴ قانون اساسی مشروطیت که طی ماده مزبور مقرر داشته «بستن عهدنامه، مقاوله نامه، اعطای امتیازات، (انحصارات) تجاری، صنعتی و فلاحتی و ... اعم از اینکه طرف داخله یا خارجه باشد باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد کوششی بوده جهت گرفتن ابتکار عمل از خود کامگان و کنترل قوه مقننه بر این امر مهم.»^۱ قانون مدنی ایران در ماده ۱۶۱ مقرر داشته است که هر گاه معدنی در زمین کسی واقع شده باشد، ملک صاحب زمین است و استخراج آن تابع قوانین مخصوصه خواهد بود، در حقیقت این گونه معادن فقط اگر در اراضی موات باشد جزو مباحات بوده و از آن کسی است که آنرا حیازت نماید.^۲ اما ماده ۲ قانون معادن مصوب ۱۳۳۶ طرح مغایری را با قانون مدنی مقرر می‌دارد زیرا طبق ماده اول این قانون، معادن به سه دسته تقسیم و دسته سوم آن شامل کلیه مواد نفتی، قیر، گازهای طبیعی، و مواد رادیواکتیو مانند رادیوم، اورانیوم، توریوم و کلیه موادی که کاربرد اتمی دارند می‌گردد طبق ماده ۲ بند «ج» این قانون معادن دسته سوم مطلقاً متعلق به دولت است و چنانچه معدنی در ملکی شخصی پیدا شود دولت فقط نرخ عادلانه آنرا قبل از عملیات اکتشاف می‌پردازد همچنین اختلاف در تعیین قیمت در صورت عدم توافق طرفین بطریق داوری حل خواهد شد.^۳ آیا اینکه این تعلق به دولت صرفاً یک حق اجرائی بهره‌برداری است و یا حق مالکیت مطلقه است را می‌توان از اصول مواد ۴ قانون اجرائی اصل ملی شدن نفت برداشت کرد زیرا کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی را حق مسلم ایران می‌داند و تاسیس شرکت ملی نفت ایران را پیش‌بینی کرده است تا اداره عملیات نفتی را از طرف دولت عهده‌دار شود،^۴ همچنین بند ۳ از جزء ۲ ماده ۱۸ قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳ عنوان می‌دارد. «نفت خام و گاز طبیعی که شرکت ملی نفت ایران به شرکتهای مسئول می‌فروشد در سر چاه به مالکیت آن شرکتها در می‌آید» و نیز از منطوق مواد ۱۹ و ۳ قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ که اعمال حق حاکمیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی ایران در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید و پخش نفت در سراسر کشور و فلات قاره را منحصرأ به عهده شرکت ملی نفت ایران می‌گذارد تا بوسیله

^۱ - «نفت ما و مسایل حقوقی آن»، مبحث مالکیت نفت.

^۲ - همان منبع، ص ۱۲۶

^۳ - اعتمادی، یوسف، «مجموعه قوانین حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی»، تهران ۱۳۵۲، ص ۲۲۶

^۴ - همان منبع صفحه ۲۲۸



پیمانکاران خود اقدام نماید چنین بنظر می‌رسد که منظور قانون‌گذار تاکید حتمی بر مالکیت نفت ایران به ملت و جلوگیری از ایجاد هرگونه ابهامی در خدشه دار نمودن این حق مالکیت ملی بوده است. با اندک دقتی در مفاد قانونی مذکور در می‌یابیم که حق دولت نسبت به منابع نفتی موجود در قلمرو سرزمینی کشور، یک حق مالکیت مطلق است و نه صرفاً یک حق اجرایی جهت بهره‌برداری زیرا دولت نماینده ملت می‌باشد. «در قانون اخیر نفت مصوب ۱۳۶۶ به نظر می‌رسد که نقص موجود در بند ط از ماده ۱۱ قانون نفت ۱۳۵۳ نیز به وسیله مواد ۳ و ۱۹ قانون نفت جدید ۱۳۶۶ برطرف گردیده است زیرا در ماده ۱۱ قانون نفت قبلی مقرر داشت نفتی که هر عامل از چاه‌های موضوع عملیات خود تولید می‌نماید در سرچاه به ملکیت مشارالیه درمی‌آید «یعنی انتقال به عامل که این عامل مطابق تعریف این قانون می‌تواند به «هر شخص» یا «سازمان مشترک» یا «دستگاه مختلط» اطلاق شود بر سرچاه صورت می‌گیرد. این اصطلاح که ضمن ماده ۲۴ قرارداد اپیاک نیز منعکس شده بود به این مضمون که «۵۰ درصد از نفتی که در ناحیه عملیات در سرچاه به ملکیت شرکت ملی نفت ایران و ۵۰ درصد نیز به ملکیت پان آمریکن اینترنشنال در خواهد آمد و ذکر مجدد آن در قانون نفت ۱۳۶۶ ایجاد شبهه می‌نماید که البته طی مواد ۳ و ۱۹ آن قانون رفع گردیده و اصل تعلق مالکیت معادن نفت به ملت یا دولت ایران به لحاظ ارتباط بسیار نزدیک با مصالح عمومی مردم یک کشور نه در ایران بلکه در بیشتر کشورهای دنیا از جمله کشورهای اروپایی پذیرفته شده است.»

بند دوم: مالکیت نفت از دیدگاه حقوقی کشورهای غرب

در مجموعه قوانین کشورهای غربی دو دیدگاه در خصوص مالکیت بر منابع نفتی وجود دارد. دیدگاه اول در مجموعه قوانین انگلستان که ملهم از قاعده حقوق روم می‌باشد و بر اساس این قانون مالک یک زمین در عین حال مالک زیر و بالای آن هم می‌باشد. سپس این دیدگاه به آمریکا رفته و از آنجا به بعضی از کشورهای دیگر این قاره نظیر کلمبیا تسری یافته و پیرو آن قانون مدنی فرانسه را متأثر نموده و به قانون مدنی ایران راه یافته است اما در فرانسه و ایران با تصویب قانون معادن دگرگون گردیده است.^۱ پس از تحول جهانی در مورد دیدگاه اول منهای

^۱ - فرهنگی، حسین، مبحث «مالکیت منابع نفتی»، رساله دکترا، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ص ۶۸